

## خرداد؛ ماه نفت

فرشید یزدانی

در تاریخ هر ملتی روزهایی وجود دارد که در حافظه تاریخی ملی آن ملت ماندگار است. این ماندگاری یا به دلیل تأثیر مثبت آن روز در روند تحولات آن جامعه است و یا تأثیر منفی آن. در تاریخ نفت کشور ما، چنین روزهایی عمدتاً در ماه خرداد اتفاق افتاده است و اگر بنا باشد ماهی به "نفت" اختصاص داده شود آن ماه خرداد است. هم نفت ایران و هم شرکت ملی نفت ایران هر دو در این ماه متولد شده‌اند. در همین ماه و در جریان ملی شدن صنعت نفت دیوان داوری لاهه به نفع ایران رأی داد. شرح مختصر دو واقعه مهم که یکی در ۹۲ سال پیش و دیگری در ۴۹ سال پیش اتفاق افتاد از این قرار است:

۱- وجود نفت در ایران برای نخستین بار در یک مجله تخصصی مربوط به معادن توسط یک شرق-شناس و باستان‌شناس فرانسوی بنام "دومرگان" که امتیاز اکتشاف و حفاری نفت در ایران را از حکومتگران قاجار گرفته بود، مطرح شد. آنتوان کتابچی خان (از ارامنه ترکیه و تبعه ایران)، رئیس گمرکات وقت با اطلاع از این امر در پی پیدا کردن سرمایه‌گذار خارجی در جهت گرفتن امتیاز استخراج نفت برآمد. از انگیزه او برای این کار اطلاع دقیقی در دست نیست، اما کتابچی خان سرانجام توانست با ویلیام ناکس دارسی در لندن ملاقات کند و موضوع را با او در میان بگذارد. دارسی نیز که مزه ثروت بادآورده - حاصل از معادن طلا در استرالیا - را چشیده بوده، این دعوت را اقبال مجددی برای خود دانست. وی، فردی به نام "ماریوت" را به نمایندگی خود جهت عقد قرارداد امتیازنامه به ایران فرستاد. ماریوت با تمهیدات فراوان سفارتخانه انگلیس در ایران و با پرداخت ۱۰ هزار لیر به اتابک، ۵ هزار لیر به مشیرالدوله و ۲۰ هزار لیر به مظفرالدین شاه موفق به کسب این امتیاز شد. قرارداد امتیازنامه نفت دارسی در تاریخ ۷ خرداد ۱۲۸۰ شمسی به امضای مظفرالدین شاه رسید. عملیات حفاری به سرپرستی "رینولدز"، نماینده دارسی، جهت انجام عملیات اجرایی اکتشاف و استخراج نفت، نخست در چاه سرخ صورت گرفت که به نتیجه مطلوب نرسید. پس از

آن، تجهیزات حفاری به "ماماتین" واقع در منطقه رامهرمز منتقل شد. در آنجا نیز علی رغم حفر دو چاه به عمق‌های ۵۶۱ و ۶۶۱ متر، نتیجه مطلوبی حاصل نشد. در نهایت، عملیات حفاری در نفتون در نزدیکی مسجد سلیمان ادامه یافت. حفاری‌های چندین ساله، بی درپی و پرهزینه، داری و همکارانش را خسته کرده بود. آنها در پی دستوری به رینولدز، خواهان برچیدن تجهیزات حفاری و خروج از ایران شدند. اما رینولدز می‌خواست آخرین تلاشهایش را نیز انجام دهد. فقط سه روز دیگر به پایان عملیات مانده بود که در ساعت پنج صبح روز ۵ خرداد ۱۲۷۸ - یعنی دقیقاً هفت سال پس از امضای امتیازنامه - چاه نفت ۳۶۰ متری فوران کرد و برگی ماندگار از تاریخ ایران را رقم زد.

۲- واقعه دیگر، واقع خلع ید از شرکت نفت ایران-انگلیس است. در پی رد الحاقیه گس-گلشایان، وزیر دارایی وقت، در مجلس شورای ملی و تصویب گزارش کمیسیون نفت در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ و تأیید آن در مجلس سنا در ۲۹ اسفند ماه همان سال، تاریخ ملی ایران روز دیگری را به حافظ خود سپرد.

کمیسیون نفت مجلس مأمور تهیه طرح قانونی اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت ایران شد. متن ۹ ماده‌ای در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت. در پی آن در ۶ اردیبهشت، حسین علا از نخست‌وزیری استعفا داد و ۶ روز بعد دکتر محمد مصدق کابینه خود را به مجلس معرفی کرد. در ۱۵ خرداد همان سال، هیأت مدیره سه‌نفره موقت شرکت ملی نفت ایران عازم آبادان شد و پس از خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران، ادارات آن شرکت را در اهواز تحویل گرفت. در ۲۹ خرداد نیز اداره اطلاعات شرکت نفت منحل گردید و در همه جای ایران، نام شرکت سابق به شرکت ملی نفت ایران تبدیل شد.

به دنبال این تحولات، در ۲۰ خرداد سال بعد (۱۳۳۱) نیز دیوان داوری بین‌المللی لاهه در قضیه ملی شدن نفت به نفع ایران رأی داد. تأثیری که این دو رویداد مهم بر تحولات

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ما داشته به گونه‌ای است که بسیاری از محققان در تبیین تحولات کشور، نفت را عامل بدبختی و برخی نیز آن را یک خوش‌شانسی بزرگ، برخی آن را طلای سیاه و برخی دیگر برای سیاه می‌دانند. معتقدان به نظریه نخست بر این باورند که شاید اگر نفت نداشتیم دست‌کمی از کشورهای بسیار عقب‌مانده - مانند بنگلادش و شاید افغانستان - نداشتیم و به برکت دلارهای نفتی است که از این اندک امکانات نیز برخورداریم. طرفداران دیدگاه دوم معتقدند که وجود نفت باعث دست‌اندازی بیشتر خارجی‌ها به ایران شده است و پایه‌های حکومت‌های غیرمردمی و استبدادی در ایران نیز به منابع غنی نفت متکی بوده است. جدای از این بحث که کدام نظریه به حقیقت نزدیک‌تر است، در هر حال واقعیت آن است که از منابع غنی نفت و گاز برخورداریم که در جهان امروز به آن به عنوان یک مزیت نگاه می‌شود و نه محدودیت و تهدید. به فعلیت در آوردن این مزیت به چگونگی مواجه شدن با آن از طرف دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان بستگی دارد. آنچه موجب شده است که این فرصت برای ما به عنوان یک تهدید در امر توسعه مطرح شود، ریشه در برخورد غیر عقلایی و فقدان برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه مقوله نفت و به تبع آن انرژی به طور عام (چه در زمینه تولید و چه در زمینه مصرف) دارد. وقتی به تاریخ کشف نفت در ایران و در ادامه آن به سیاست‌های اعمال شده بر تولید و صدور آن در طی این تاریخچه نگاه می‌کنیم (به جز مقطع ملی شدن نفت) یک نکته به‌خوبی مشهود است و آن اینکه مواجه شدن ابعاد مختلف موضوع نفت کمتر تحت‌تأمیل و سیطره نیازهای ملی ما قرار داشته است و حتی بسیاری از نیازهای ما در این زمینه بیشتر توسط خارجی‌ها دیکته شده است. زمانی واگذاری امتیاز کشف نفت به‌طور واضح جهت پاسخ‌گویی به نیاز خارجی‌ها بوده است و از آن پس نیز مباحث مربوط به ازدیاد ظرفیت تولید بیشتر از آنکه بر یک برنامه ملی و راهبردی متکی باشد به‌برآورد نیازهای بازار بین‌المللی که عمدتاً توسط مصرف‌کنندگان نفت تعریف و تفهیم می‌شود، وابسته بوده است. متأسفانه به‌علت برون‌زا بودن نیازها و برنامه‌های نفتی ما، نگاه مدیریت صنعت نفت نیز تقریباً در تمامی دوره‌ها نگاه به بیرون بوده و این نوع نگرش حتی پس از انقلاب نیز بر کل این صنعت عظیم حاکم بوده است. بدیهی است که در این سازوکار و این نوع نگرش آنچه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، برنامه‌ریزی جهت بهره‌برداری بلندمدت و اصولی و در راستای رفع نیازهای ملی

در این زمینه و همچنین پیوند این صنعت قدرتمند با دیگر بخشهای اقتصادی در عرصه ملی است. در حالی که صنعت نفت در کشور ما قدمتی نزدیک به یک قرن دارد، اما متأسفانه در مقایسه با سایر فعالیت‌های اقتصادی کمترین ارتباط را با دیگر بخش‌های اقتصادی در چرخه تولید ایجاد کرده است. قریب به ۸۰ درصد درآمد ارزی کشور را نفت تأمین می‌کند و حدود ۲۰ درصد درآمد ناخالص ملی از نفت حاصل می‌شود، اما مجموع ضرایب پیوند (ضرایب پیشین و پسین) این صنعت در جداول داده-ستانده، حدود یک سوم همین رقم در مقایسه با کل صنعت کشور است. (جمع ضرایب پیشین و پسین برای کل صنعت ۴/۴۶ است و برای صنعت نفت ۱/۴۵، یعنی حتی کمترین ضریب در بین کلیه بخشهای اقتصادی). به تبع پایین بودن این ضریب پیوند، در عرصه‌های دیگری مانند تربیت و آموزش نیروی انسانی و ایجاد مراکز تحقیقاتی لازم برای خود صنعت نفت نیز این کمبود به خوبی احساس می‌شود. صنعتی که با تکیه به پشتوانه قوی تاریخی و توان مالی و فنی خود می‌توانست و شایسته بود که به عاملی برای تحرک دیگر فعالیت‌ها و دیگر صنایع کشور تبدیل شود در زمینه مهیا کردن نیروی انسانی لازم برای خود و صنایع دیگر پیشتاز باشد، تقریباً یکی از ناشناخته‌ترین (با توجه به اهمیت و وزن آن در اقتصاد کشور) صنایع کشور به شمار می‌رود و هنوز بخش اعظم نیازهای فیزیکی و تخصصی آن از خارج وارد می‌شود و این در حالی است که صنعت نفت هم دارای بازار تضمین شده در عرصه داخلی و خارج و هم دارای بیشترین توان مالی و فیزیکی بوده است. صنعتی که می‌توانست و شایسته آن بود - و هست - که به عنوان موتور توسعه دیگر بخش‌های اقتصادی به تحرک درآید، به گونه‌ای عمل کرده است که برخی از آن به عنوان ترمز توسعه نام می‌برند. برون‌زا بودن سیاست‌ها در این صنعت و حاکم بودن نگاه به خارج در آن، بزرگترین مانع تبدیل آن به یک صنعت ملی و بومی است و زمانی می‌توان به رفع این نقص همت گماشت که به اصلاح نگرش حاکم در این صنعت پرداخته شود و این میسر نیست مگر با یک اجماع ملی کارشناسی و تدوین برنامه‌ای راهبردی و همه‌جانبه که حاصل این اجماع خواهد بود.

روزهای ماندگار در تاریخ و یادآوری و گرامی‌داشت آنها فرصتی است برای بیشتر اندیشیدن به آن وقایع، باشد که فرصت برای این اندیشیدن و دیگر گونه نگاه کردن را از دست ندهیم. شاید فردا اندکی دیر باشد.

بقیه از صفحه ۲۸

نگاهی به انرژی باد.

اوج مصرف حدود ۱۷۰ تومان برای تولید از منابع تجدیدپذیر پیش‌بینی شده که رقم نسبتاً مناسبی است. وی در مورد رقابت قیمت برق تولیدی از طریق منابع تجدیدپذیر با سایر منابع تولید گفت، دولت می‌تواند یارانه مصرف‌کننده منابع فسیلی را به تولیدکننده برق تجدیدپذیر بدهد و قیمت را برای مردم از هر دو منبع فسیلی و تجدیدپذیر یکسان نگه دارد که این امر مستلزم آن است که دولت در سیاست‌گذاری‌های خود میان تولید برق از منابع تجدیدپذیر و فسیلی فرق قائل شود. مهندس آرم در مورد توسعه تولید برق از منابع تجدیدپذیر گفت، در کشورهای غربی، دولت برق تولیدی از منابع تجدیدپذیر را از تولیدکننده با قیمتی گرانتر خریداری می‌کند. به‌عنوان مثال، مردم می‌توانند یک نیروگاه بادی خریدند و مازاد مصرف خود را با قیمتی بالاتر در اختیار دولت بگذارند ما نیز می‌توانیم برای تشویق مردم، از این روشها استفاده کنیم.

در مورد فعالیت بخش خصوصی در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، دکتر احمدی اظهار کرده، در زمینه ساخت قطعات برای نیروگاه بادی، بخش تولید قطعات به شرکت‌های خصوصی واگذار شده و از آنها خواسته شده است تا برای دستیابی به فن‌آوری روز این کار را با مشارکت خارجی انجام دهند. بدین منظور بزرگترین شرکت سازنده قطعات نیروگاه‌های بادی در جهان با یک شرکت داخلی شریک شده و کار ساخت قطعات را دنبال می‌کنند. بخش خصوصی در مقایسه با دولت می‌تواند به صورت پایدارتری به سوی بومی‌سازی پیش برود، اما اگر تصدی این کار تنها در دست دولت باشد، هرچه پیش برویم از این هدف دور خواهیم شد.

وی در مورد امکانات پیش‌بینی شده برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر گفت، در سازمان انرژی اتمی، بخش توسعه انرژی‌های نو تاکنون ۶۰ میلیارد ریال هزینه کرده و برای سنوات آتی نیز ۴۰۰ میلیارد ریال دیگر پیش‌بینی شده است که بسته به تواناییها به شکل مناسبی هزینه خواهد شد. این اعتبار برای تولید حداقل ۱۰۰ مگاوات برق از منابع بادی و خورشیدی اختصاص یافته است.

### پروسی و جمع‌بندی

با کاهش منابع انرژی فسیلی، توجه به انرژی‌های تجدیدپذیر یک ضرورت خواهد بود.

مزیت مهم استفاده از این منابع، عدم آلودگی زیست‌محیطی و عدم زوال‌پذیری آنهاست. در دهه‌های اخیر، با توجه خاص کشورهای صنعتی به این انرژی‌ها و دستیابی آنها به تکنولوژی نوین در این زمینه، لازم است تا کشورهای دارای ذخایر فسیلی از جمله ایران نیز که در این زمینه گامهای بلندی را بردارند. آنچه تاکنون در ایران در این مورد انجام شده است، عموماً کسب دانش فنی و شناخت امکانات و نیازهای سرمایه‌ای و برآورد امکانات بالقوه کشور بوده که البته کاری لازم و ضروری می‌باشد، اما از دیدگاه کلان و در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت با مشخص شدن جایگاه این انرژیها در تأمین انرژی آینده مورد احتیاج کشور، نیاز به سرمایه‌گذاری و رفع مشکلات و موانع عملی فراور بیش از گذشته احساس می‌شود. توجه به تحقیقات و پژوهش‌های کاربردی در این بخش، یکی از ضرورت‌های قطعی است که زمینه‌ساز اقدامات آتی خواهد بود. از طرفی با مشارکت با کشورهای دارای دانش فنی، می‌توان دانش‌های مورد نیاز را شناسایی و برای بومی‌سازی آنها برنامه‌ریزی کرد. مشارکت بخش خصوصی در این بخش نیز می‌تواند روند توسعه این حرکت را سریعتر سازد. در زمینه انرژی باد آنچه تاکنون مورد استفاده قرار گرفته، ظرفیت مورد نیاز برای تولید برق بادی است که توان بالقوه آن تا ۲۰۰۰ مگاوات پیش‌بینی شده است. با توجه به توان بالقوه انرژی باد در ایران و اقدامات انجام شده برای ساخت نیروگاه‌های بادی، می‌توان در این زمینه به جایگاهی بالاتری در جهان دست یافت. در این بین، هماهنگی و آشنایی بخش‌های مرتبط در این زمینه در کشور، می‌تواند کارهای انجام شده و آتی را منسجم‌تر نموده و شرایط مساعدتری برای توسعه استفاده از آن فراهم آورد که امید است در آینده نزدیک شاهد تحقق آن باشیم.

### منابع مورد استفاده:

- ۱- گزارش سفر شرکت در کنفرانس انرژی باد، امیرعباس صدیقی، ۱۳۷۳.
- ۲- نیروگاه‌های بادی جهان در آستانه سال ۲۰۰۰، دکتر مجدد جمیل، دومین کنفرانس انرژی و روستا، ۱۳۷۸.
- ۳- رهیابی تکنولوژی توربین‌های برق بادی در جمهوری اسلامی ایران، امیرحسین قرشی، دومین همایش ملی انرژی، ۱۳۷۸.
- ۴- آشنایی با گروه انرژی‌های نو، پژوهشگاه نیرو، ۱۳۷۸.